

تقاضای گاز اروپا

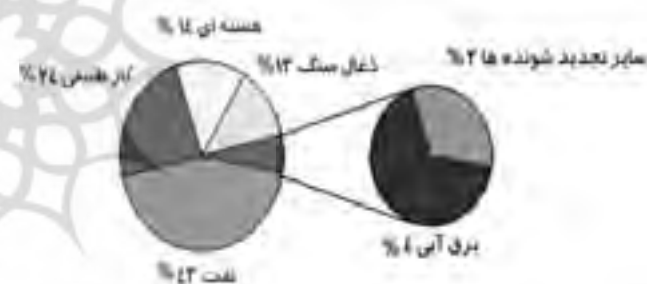
نقش ترکیه و فرصت های ایران

سید غلامحسین حسنتاش

مقدمه:

اتحادیه اروپا حدود ۱۷ درصد از کل انرژی جهان را مصرف میکند و سهم گاز طبیعی در سبد انرژی مصرفی اروپا در سال ۲۰۰۳ میلادی با بیشترین نرخ رشد سالانه در میان انواع انرژی های مصرفی، به حدود ۲۴ درصد رسیده است. نمودار (۱) سهم و ترکیب انواع انرژی های مصرفی در اروپا را در سال ۲۰۰۳ نشان میدهد.

نمودار (۱) مصرف انرژی در اروپا به تفکیک منابع در سال ۲۰۰۳

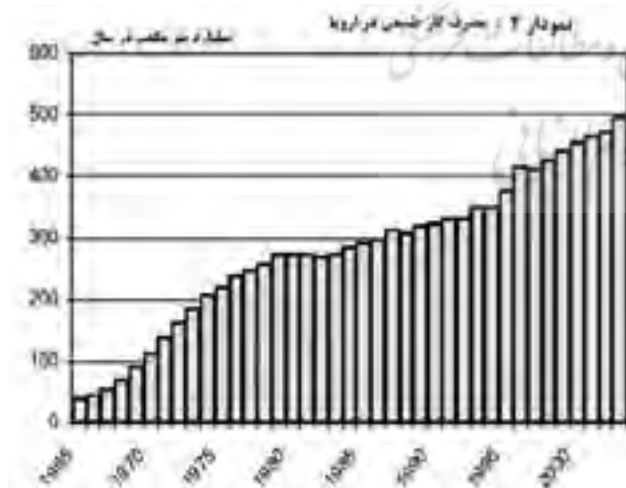


ظرفیت تولید، انگیزه عرضه کنندگان خارجی را برای حضور در بازار اروپا افزایش داده است. تأمین کنندگان کنونی گاز اروپا، روسیه از طریق خط لوله و الجزایر هم از طریق خط لوله و هم بصورت گاز طبیعی مایع شده (LNG) می باشند. از سوی دیگر ذخائر عظیم دارای هزینه تولید کمتر و قیمت های رقابتی مانند مخازن ایران، می تواند برای کشورهای اروپایی تشنه انرژی، جذاب باشد.

اتحادیه اروپا با این تفکر که رقابت بین عرضه کنندگان قیمت ها را کاهش خواهد داد، مصمم است که مسیرهای تامین انرژی خود را متنوع سازد. دسترسی باثبات، امن و پیوسته به انرژی یکی از اهداف اولویت دار صنایع اروپا است. همچون بسیاری از کشورها، ترکیه امیدوار است بتواند پل انرژی بین منابع عظیم هیدروکربوری در خاورمیانه و آسیای مرکزی و کشورهای پیشرفته نیازمند انرژی در اروپا باشد.

تقاضای گاز طبیعی در اروپا

پیشینه تقاضای گاز در اروپا از سال ۱۹۶۵ در نمودار ۲ نشان داده شده است.



منبع: آژانس بین المللی انرژی

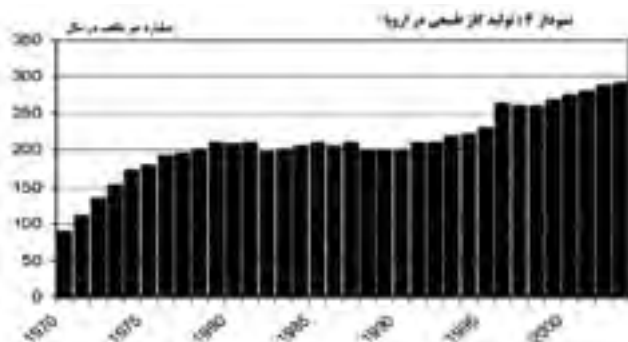
طی سالهای اخیر مصرف گاز طبیعی در اروپا با نرخ ثابت ۵/۲ درصد در سال افزایش یافته است. میزان تقاضا در پایان سال ۲۰۰۳ به ۴۹۸/۱ میلیارد متر مکعب رسید.

قیمت های بالای نفت، سیاست های حفظ محیط زیست و توسعه نیروگاه های گازی علل اصلی افزایش تقاضای گاز در اروپا به حساب می آیند. تولید گاز طبیعی در اروپا از سال ۱۹۸۷ تقریباً ثابت مانده است، با وجود افزایش ۶۶/۸ درصدی در میزان تقاضا، افزایشی در ظرفیت های تولید گاز طبیعی بوجود نیامده است. تولید سالانه گاز طبیعی در سال ۱۹۸۶، حدوداً ۱۹۴ میلیارد متر مکعب بوده و در پایان سال ۲۰۰۴ میلادی به حدود ۲۰۴ میلیارد متر مکعب رسیده است.

تولید نروژ در سال ۲۰۰۵ به ۸۵ میلیارد متر مکعب افزایش یافت که انتظار می رود تا سال ۲۰۱۰ در حدود همین سطح تداوم یابد، اما این افزایش به سختی می تواند افت قابل توجه تولید انگلستان که از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است را جبران کند.

کمیود ذخائر و ظرفیت تولید پایین، اروپا را به یک واردکننده خالص تبدیل کرده است. افزایش شگرف تقاضای گاز از ۱۹۸۷ و عدم افزایش در

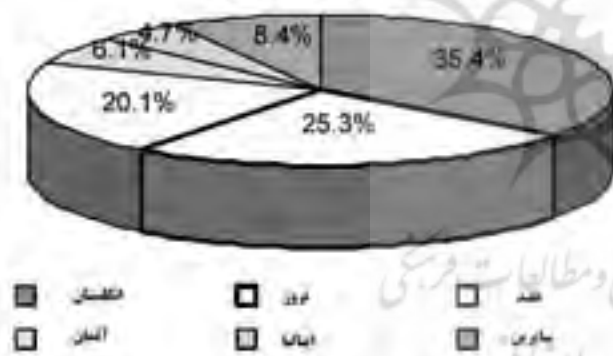
قیمت های بالای نفت و سیاست های حفظ محیط زیست، شرکت ها و مجامع اروپایی را مجبور به صرف هزینه های بالاتری برای گاز نسبت به سایر سوخت ها کرد. سه بخش عمده که ۹۴/۸ درصد گاز را در اروپا مصرف می کنند عبارتند از بخشهای: خانگی، صنعت و نیروگاهها. توزیع مصرف بین این سه بخش در نمودار ۳ نشان داده شده است.



افزایش تولید گاز اروپا از سال ۱۹۹۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۳ به ۲۹۰/۳ میلیارد مترمکعب در سال رسید.

از دیگر سو، علی رغم افزایش تولید نروژ، تولید انگلستان بعنوان یکی از مهمترین عرضه کنندگان گاز اروپا از سال ۲۰۰۰ شروع به کاهش نموده است و از سال ۲۰۰۴ میلادی نیز انگلستان گاز اضافه ای برای تحویل به اروپا ندارد و از موضع یک صادر کننده به تدریج به موضع یک وارد کننده منتقل می شود. به علاوه تولید گاز طبیعی در هلند نیز از اوج خود به میزان ۷۵/۸ در سال ۱۹۹۶ پس از فراز و نشیب‌هایی نهایتاً به ۶۸/۸ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است. سهم تولید گاز طبیعی در میان کشورهای اروپایی در نمودار (۵) نشان داده شده است. رومانی با ۴/۳ درصد، دانمارک با ۲/۷ درصد و لهستان با ۱/۴ درصد از کل تولید، سایر تولید کنندگان گاز طبیعی هستند.

نمودار ۵: سهم کشورهای مختلف اروپا در تولید گاز طبیعی

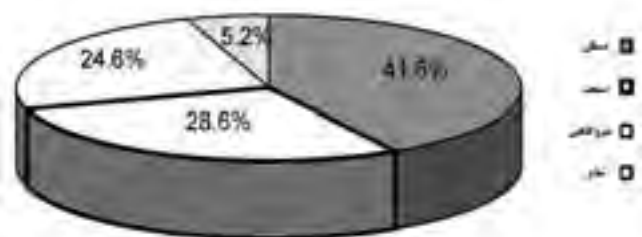


نخاستر گاز طبیعی در اروپا

بر اساس آمار سال ۲۰۰۳، میزان ذخایر گاز طبیعی در اروپا بالغ بر ۵/۷ تریلیون متر مکعب می باشد و لذا در مقایسه با کل مخازن دنیا که حدود ۱۷۵/۸ تریلیون متر مکعب است، اروپا از لحاظ حجم مخازن گازی یک قاره فقیر محسوب می شود. تعداد مخازن اثبات شده تا سال ۱۹۹۳ روند صعودی داشته است اما اکنون این روند نزولی است. افزایش تعداد مخازن جدید در نروژ در سال ۲۰۰۳ به سختی می تواند کاهش منابع را جبران کند.

نروژ دارای بالاترین حجم ذخایر با ۲/۴۶ تریلیون متر مکعب بوده و بعد از آن هلند با ۱/۶۷ تریلیون متر مکعب و نهایتاً انگلستان با ۰/۶۳ تریلیون متر مکعب در جایگاه سوم قرار دارد یعنی بیش از ۸۰ درصد منابع گاز اروپا تنها در سه کشور این قاره قرار دارد که این نیز اروپا را آسیب پذیر می نماید. نمودار ۶ در زیر پیشینه مخازن اثبات شده گاز از سال ۱۹۸۰ در اروپا را نشان می دهد.

نمودار ۱۳: سهم مصرف گاز در بخش های مختلف



مصارف خانگی ۴۱/۶ درصد تقاضای گاز را در اروپا تشکیل می دهد. شبکه های توزیع گاز طبیعی از دلایل اولیه افزایش تقاضای گاز طبیعی هستند. مصارف صنعتی ۲۸/۶ درصد کل مصرف را تشکیل می دهند. این مقدار کاملاً وابسته به قیمت حامل های رقیب، فعالیت های اقتصادی و سیاست های صرفه جویی انرژی است. انتظار می رود توسعه نیروگاه های گازی با توجه به محدودیت های موجود بر روی برنامه های انرژی هسته ای، موجب افزایش بیشتر تقاضای گاز در اروپا در دهه بعدی گردد. نیروگاه های گاز سوز؛ به خصوص پس از واقعه چرنوبیل، رفته رفته جایگزین نیروگاه های هسته ای شده اند این نیروگاه ها ۲۴/۶ درصد مصرف گاز اروپا را به خود اختصاص داده اند.

قوانین حفظ محیط زیست، مخصوصاً بعد از پروتکل کیوتو، شرکتهای تولیدکننده اتومبیل را مجبور به تولید موتورهایی با میزان آلوده سازی پایین تر کرده است. قیمت کم و آلاینده گی پایین، گاز طبیعی را به عنوان سوخت مناسب برای حمل و نقل نیز معرفی نموده است.

بررسی ها نشان می دهد که بدنال سیاست های بهینه سازی و صرفه جویی انرژی که کشورهای اروپایی پس از وقوع شوک های اول (۱۹۷۳) و دوم (۱۹۷۹) نفتی در پیش گرفتند، اینک هر ۱ درصد رشد اقتصادی در اروپا حدود ۰/۴۷ درصد رشد تقاضای انرژی را بدنال دارد (قبل از دهه هفتاد این نسبت حدوداً ۱ به ۱ بوده است). همچنین بر مبنای پیش بینی های بعمل آمده توسط آژانس بین المللی انرژی، متوسط رشد اقتصادی ۳۰ کشور عضو (بالفعل و بالقوه) اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰ کمتر از ۱/۹ درصد نخواهد بود بنابراین اگر بهبود در شاخص شدت انرژی را نیز لحاظ کنیم میزان افزایش سالانه در تقاضای انرژی اولیه در این اتحادیه کمتر از ۰/۸ درصد در سال نخواهد بود اما پیش بینی ها نشان می دهد که علیرغم چنین نرخ رشدی برای انرژی اولیه با توجه به تمرکز بیشتر افزایش تقاضا بر گاز طبیعی و با توجه به جایگزینی هایی که اتفاق خواهد افتاد، متوسط نرخ سالانه رشد تقاضای گاز تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۲ درصد در سال بوده و بنابراین سهم گاز طبیعی در سبد انرژی اروپا از میزان فعلی (۲۴) به بیش از ۳۳ افزایش خواهد یافت.

تولید گاز طبیعی در اروپا

تولید گاز طبیعی در اروپا در بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۲ حدوداً ثابت بود. طی این دوره تقاضای گاز ۳۹/۶ افزایش یافت، در حالیکه میزان تولید در این دوره تنها ۸/۹ درصد افزایش یافت. در سال ۱۹۷۶ تولید سالانه گاز ۱۹۱/۱ میلیارد مترمکعب و در سال ۱۹۹۲، ۲۰۸/۲ میلیارد مترمکعب بوده است. انتظار می رود تولید نروژ که از سال ۱۹۹۶ شروع به افزایش نموده و در ۲۰۰۵ به ۸۵ میلیارد مترمکعب رسیده تا ۲۰۱۰ به همین میزان ادامه یابد. البته این مقدار حتی به سختی می تواند افت فزاینده تولید انگلستان که از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است را جبران کند. نمودار ۴ روند تولید گاز در اروپا را از سال ۱۹۷۰ نشان می دهد.

مسیر های کنونی تامین گاز طبیعی برای اروپا:

بیش از ۸۰ درصد از گاز طبیعی داخلی اروپا توسط سه کشور نروژ، انگلستان، و هلند تولید میشود. تولید گاز اروپا در سال ۲۰۰۳ به میزان ۲۹۰/۳ میلیارد متر مکعب رسید که معادل ۵۸/۶ درصد کل مصرف بود. و بقیه نیاز که معادل ۴۱/۴ درصد یا ۲۰۴/۷ میلیارد متر مکعب بود از طریق واردات تامین شد. در این میان روسیه با ۱۳۰/۶ میلیارد متر مکعب مقام اول را در صدور گاز به اروپا داشته و بدنبال آن و البته با فاصله زیاد الجزایر با ۳۰/۸ میلیارد متر مکعب و سپس نیجریه با ۸/۴ میلیارد متر مکعب بوده است با احتساب اینکه در این بررسی ترکیه نیز جزء اروپا محسوب گردیده میتوان گفت که ایران نیز با ۳/۵ میلیارد متر مکعب در مقام چهارم قرار داشته و سهم دیگر کشورهای خاورمیانه جمعاً ۵/۵ میلیارد متر مکعب بوده است.

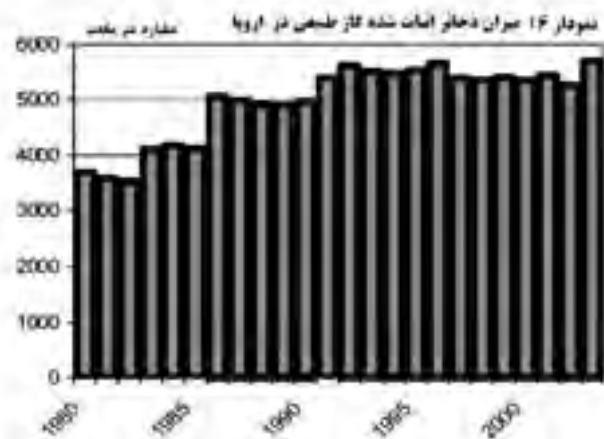
خطوط انتقال گاز به اروپا در حال حاضر گنجایش عرضه حداکثر ۳۶۵ میلیارد متر مکعب در سال را دارند. روسیه بالاترین ظرفیت صادرات به میزان ۱۶۵ میلیارد متر مکعب در سال از طریق بلاروس و اوکراین را دارد اما عدم کنترل روسیه بر برداشتهای این دو کشور که بر اساس ساختارها و عادات دوران قبل از فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها شکل گرفته است اختلافاتی را موجب گردیده و مشکلاتی را در این مسیر بوجود آورده است بطوری که در زمستان گذشته (۲۰۰۵ میلادی) اختلافات روسیه و اوکراین نهایتاً موجب قطع چند روزه جریان گاز به اروپا شد.

گاز الجزایر از طریق دو خط لوله پدرو دوران فارل (Pedro Duran Farel) به اسپانیا و پرتغال و خط انریکو ماتتی (Enrico Mattei) به ایتالیا و اسلونی منتقل میشود که این دو خط از بستر دریای مدیترانه عبور می کنند و با تمام ظرفیت در حال انتقال گاز هستند البته علاوه بر خطوط مذکور بخش قابل توجهی از صادرات گاز الجزایر نیز بصورت LNG است UK-continent Gas Interconnector که در سال ۲۰۰۳ امکان صادرات حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال را برای انگلستان فراهم نموده بود، ظرفیت انتقال ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال را داراست اما از اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی با کاهش قابل توجه در تولید گاز انگلستان این کشور توان صادراتی خود را از دست داده و بر اساس پیش بینی که از ابتدای احداث خط لوله مذکور وجود داشته است انگلستان از همین طریق به دریافت کننده گاز از شبکه اروپائی مبدل خواهد شد.

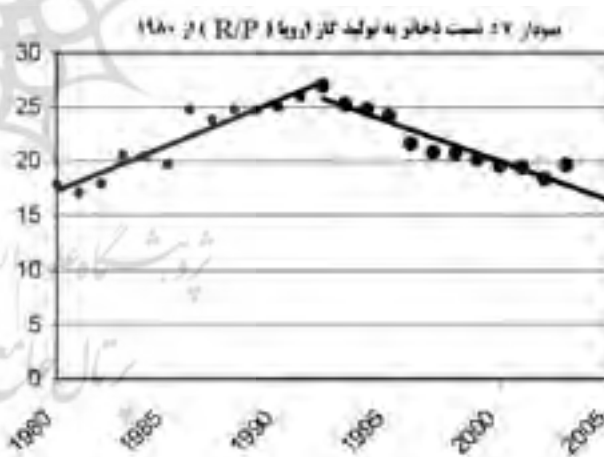
حدود ۵۵ تا ۶۰ میلیارد متر مکعب در سال نیز از طریق خط لوله گاز ترانس-یورپ (trans-Europe) امکان انتقال گاز هلند به ایتالیا وجود دارد. صادرات نیجریه و خاورمیانه به اروپا نیز بصورت LNG صورت می پذیرد.

نیاز به تنوع بخشی در عرضه:

در اتحادیه اروپا نیز بخش عمده ای از گاز مصرفی، توسط کشورهای خارج از این اتحادیه و عمدتاً توسط روسیه، نروژ و الجزایر تامین می شود. در دهه های آتی با بزرگ شدن اتحادیه اروپا و افزایش تقاضا برای گاز طبیعی، وابستگی این اتحادیه به کشورهای خارج از آن برای تامین گاز بیشتر خواهد شد. پیش بینی ها نشان میدهد که میزان وابستگی اروپا به گاز وارداتی تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۷۵ درصد افزایش خواهد یافت. در این میان وابستگی به بعضی از کشورها به دلایل سیاسی، اقتصادی و ریسکهای طبیعی (به خاطر مسیر طولانی خط لوله) غیر مطلوب است و لذا از نظر این اتحادیه تنوع بخشی در منابع تامین گازو کارا کردن حمل و نقل برای تامین امنیت عرضه انرژی و کاهش ریسک ضروری است و به ویژه با وقعه ای که در زمستان سال ۲۰۰۵ و در اوج تقاضا در گاز



نسبت ذخائر به تولید یا نرخ R/P (ذخائر به تولید) اطلاع دقیقتری را در این زمینه بدست می دهد. این نسبت برای اروپا در سال ۱۹۹۲ به حد اکثر خود رسید و از آن زمان تا کنون در حال کاهش بوده است. افزایش ذخائر در سال ۲۰۰۳، به نظر می رسد که روند را متحول و صعودی خواهد نمود، اما در سال ۲۰۰۳ شاخص R/P به مراتب از سال ۱۹۹۲ پایین تر بود. بر اساس آخرین آمار و اطلاعات، در صورت ثابت ماندن میزان ذخائر موجود و نیز با تداوم تولید در حجم کنونی، ذخائر گازی اروپا در زمانی کمتر از ۱۸ سال ته خواهد کشید. شاخص R/P در اروپا کمتر از نصف مقدار جهانی این شاخص است. نسبت ذخائر به تولید گاز اروپا از سال ۱۹۸۰ در نمودار ۷ نشان داده شده است.



باید توجه داشت که نسبت ذخائر به تولید یک شاخص استراتژیک است و همچنین هنگامی که این شاخص در چنین سطحی قرار میگیرد به تدریج حجم ذخائر باقیمانده به یک ذخیره استراتژیک بدل میشود. به عبارت دیگر درحالیکه از سوئی تقاضا و مصارف در حال افزایش است و از سوی دیگر پتانسیل های جدید اکتشافی وجود نداشته و ذخائر بالقوه در حال کاهش است ممکن است کشورهای اروپائی بزودی مجبور شوند که به ذخائر باقیمانده خود بعنوان ذخائر استراتژیک بنگرند و بخواهند که آنرا برای مواقع اضطراری نگهدارند بنابراین نباید انتظار داشت که در سالهای آتی میزان تولید داخلی گاز اروپا لزوماً بر اساس روندهای بطنی گذشته تداوم یابد بلکه ممکن است اروپائی ها مجبور شوند با شدت بیشتری تولید داخلی خود را کاهش داده و مقدار بیشتری از ذخائر باقیمانده را بعنوان ذخیره استراتژیک و برای مواقع اضطراری نگهداری نمایند.

تامین می شود.

تنوع بخشی یک اصل بسیار مهم در میان استراتژی های امنیت تامین گاز برای اروپا بوده است. خطوط لوله جدید تامین گاز از عرضه کنندگان جدید ضریب امنیت عرضه را افزایش می دهد.

حتی خطوط انتقال جدید از عرضه کنندگان "سستی" نیز به داشتن محیطی قابل اعتماد کمک می کند (با تنوع بخشی جغرافیایی خطوط و با استفاده کردن از مسیر های میانبر و یا از طریق ایجاد رقابت میان کشورهای مسیر که علاقه مند دریافت حق ترانزیت هستند) بعنوان مثال اروپایی ها بدلیل عقب بودن سطح فن آوری در کشور اوکراین و فرسوده بودن تاسیسات گازی این کشور در مورد گاز انتقالی روسیه از طریق این کشور نگران بوده و در جستجوی مسیرهای آلترناتیو برای انتقال گاز روسیه هستند و حاضرند بر روی آن نیز سرمایه گذاری کنند.

پروژه های جدید LNG از کشورهایی با سابقه صادرات به اروپا مثل نیجریه و مصر و همچنین پروژه های جدید واردات LNG از کشور های جدید که آماده ورود به بازار اروپا هستند بهترین فرصت را برای پروژه های خاورمیانه فراهم می آورد و این رقابت امنیت در تامین گاز اروپا را افزایش خواهد داد. بنظر میرسد که خاورمیانه برای اروپا نسبت به شمال آفریقا نیز رجحان دارد، چراکه اولاً - به نظر نمیرسد گاز بیشتری برای عرضه به اروپا در شمال آفریقا وجود داشته باشد و ثانیاً - احداث و نگهداری خطوط لوله دریایی بسیار دشوار و پرهزینه است.

موضوع انرژی، دستیابی به روابط خوب با کشور های تولیدکننده را برای اروپا به یک موضوع مهم تبدیل نموده است. شرایط سیاسی و زیست محیطی همیشه به عنوان ریسکهای روابط دوجانبه فروشنده و خریدار مطرح هستند. هرگونه بحران سیاسی بین واردکننده و تولیدکننده می تواند مانع استمرار و امنیت عرضه گردد. به عنوان یک نمونه جالب می توان گرجستان را مثال زد که کاملاً به گاز روسیه وابسته است و تجربه این کشور نشان داده است که در دورانهای وجود تنشهای سیاسی، عرضه گاز از جانب روسیه قابل اعتماد نبوده است.

آزادسازی بخش های گاز و برق نیز در راستای تلاش اقتصادی به منظور تاسیس یک بازار رقابتی انرژی است. هماهنگ شدن با الزامات پروتکل زیست محیطی کیوتو نیز اهمیت گاز را برای اروپا دوچندان نموده است.

منابع جایگزین:

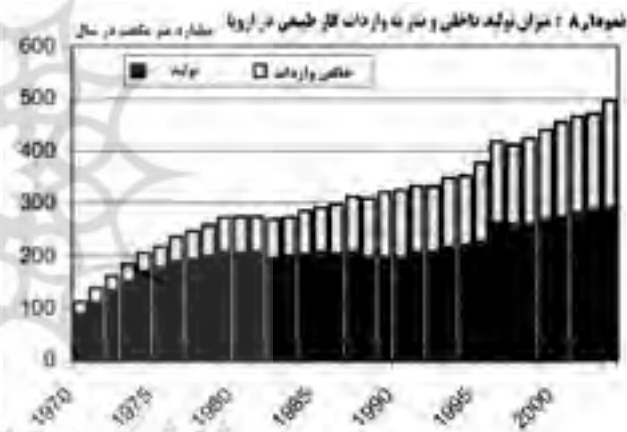
اروپا منطقه ای بوده است که از تحولات تاریخی تاثیر فراوانی پذیرفته است. طی ۳۰ سال اخیر راه کارهای متنوعی برای ارتقاء میزان امنیت عرضه انرژی به اروپا بکار گرفته شده است. این ابزارها را می توان به شکل زیر خلاصه نمود:

- استفاده از قراردادهای TOP take-or-pay بلند مدت همراه با ابزار مدیریت ریسک های جانبی
 - سرمایه گذاری های مطلوب و سازگار با آب و هوا و محیط زیست
 - تنوع بخشی منابع تامین و مسیر های ترانزیت
 - مذاکرات رسمی با کشورهای تولیدکننده انرژی
- تقاضای فزاینده اروپا برای گاز طبیعی وارداتی؛ به سبب رشد کاهنده تولیدات داخلی، نیاز به برقراری روابط سیاسی و مالی با آفریقای شمالی و روسیه را توجیه نموده و همچنین جذابیت خطوط ارتباطی به خاورمیانه و آسیای مرکزی را افزایش میدهد.

دریافتی از روسیه بوجود آمد و مشکلات فراوانی را برای اروپاییها در پی داشت عزم اروپا برای متنوع سازی تقویت گردیده است. با افزایش قیمت گاز (که در حال حاضر با قدری وقفه زمانی قیمت های جهانی نفت خام را دنبال می کند) تامین سوخت از سایر کشورها و خطوط لوله جایگزین، اقتصادی و قابل اجرا شده است.

اروپا بدنبال اقدامات انجام گرفته پس از وقوع شوک های نفتی دهه هفتاد میلادی با موفقیت توانسته است منابع انرژی خود را متنوع سازد. نفت، گاز، LNG، ذغال سنگ، انرژی اتمی، منابع برق-آبی، انرژی بادی و خورشیدی در ترکیب مصرف انرژی جایگزین یکدیگر می شوند. گاز طبیعی با ۲۲٪ درصد سهم که تقاضای آن نیز بدلائل مختلف و از جمله به دلایل زیست محیطی روند فزاینده تری را نسبت به سایر حامل های انرژی داراست نقش مهمی را در در ترکیب انرژی اروپا ایفا می کند.

از نظر اروپایی ها تنوع بخشی در مبادی تامین انرژی (Supply Diversification) به همان اندازه تنوع بخشی در منابع انرژی (Energy Source Diversification) از اهمیت برخوردار است. شکاف در حال رشد بین مصرف و تولید داخلی بیش از پیش اروپا را به یک واردکننده خالص تبدیل می کند. نمودار ۸ رشد تولید واردات خالص را از سال ۱۹۷۰ نشان می دهد.



۶۳٪ از گاز وارداتی اروپا از روسیه تامین می شود، بدین ترتیب به راحتی می توان گفت اروپا شدیداً به روسیه در مورد امنیت تامین گاز وابسته است.

بررسی ها نشان می دهد که در صورت تدام روند فعلی تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ درصد گاز مورد نیاز اروپا از روسیه تامین خواهد شد. بنابراین اروپایی ها اگر بخواهند جلوی وابستگی بیش از پیش خود به روسیه را بگیرند باید در جهت تغییر این روند تحرک جدی از خود نشان دهند.

در نیمه دهه ۱۹۸۰ و در سالهایی که آلمان غربی برای اولین بار بدنبال متصل نمودن گاز روسیه از طریق آلمان به اروپا بود، کشور آمریکا قویا با چنین طرحی مخالفت می ورزید و حتی اقدام به تحریم خط لوله انتقال گاز روسیه به اروپا نمود به این معنا که استفاده از اقلام و تجهیزات تحت لیسانس آمریکائی را در خط لوله مذکور ممنوع کرد. در آن زمان نگرانی آمریکائی ها این بود که این جریان گاز در بلند مدت اقتصاد اروپا را به بلوک کمونیستی وابسته خواهد نمود، البته بقای رژیم شوروی چندان تداوم نیافت که چنین نگرانی تجربه نشود. اما در زمستان ۲۰۰۵ اروپایی ها برای اولین بار زنگ خطر را شنیدند.

شبکه حمل گاز طبیعی نروژ با ۶ خط لوله، ظرفیت ۸۸ میلیارد متر مکعب در سال را مهیا می کند. ۳۴٪ میلیارد متر مکعب در سال از الجزایر

تفاوت هزینه حمل و نقل در کشورهای مختلف

نقطه عرضه	مسیر ترانزیت	هزینه (دلار بر میلیون BTU)
روسیه - یمن	پاکستان	3.31
روسیه - تاجیکستان	افغانستان	2.79
روسیه - ونگا اورال	افغانستان	1.92
روسیه - ونگا اورال	ترکیه	2.55
ترکمنستان	ترکیه	2.15
ترکمنستان	ترکیه	2.15
قرمچان	ترکیه	2.05
ایران	ترکیه	2.17
عراق	ترکیه	1.97

این مطالعه بوسیله OME(Observatories Mediterranean de L'Énergie) ارائه شد OME اتحادیه شرکت‌های انرژی در کشور های مدیترانه ای است.

در این نتیجه گیری؛ هزینه حمل و نقل و حق ترانزیت در هزینه ها وارد شده و حقوق مالکانه (Royalty) کشور تولیدکننده از هزینه ها خارج شده است.

مخازن دریای خزر و خلیج فارس بسیار گسترده اند. حدود ۶ میلیارد متر مکعب مخازن اثبات شده دورتا دور دریای خزر و حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب در خلیج فارس وجود دارد. منابع دریای خزر بوسیله یک خط لوله شرقی- غربی قابل عرضه به بازار هستند، اما موارد دیگری نیز در شمال روسیه، در جنوب، ایران و در شرق آسیای مرکزی وجود دارند.

نقش ترکیه:

پیش بینی های ارائه شده توسط مؤسسات تحقیقاتی مختلف و شرکت‌های انرژی که علاقمند به اجرای پروژه جدید دریای خزر و خاورمیانه هستند؛ نشان می دهد که تا سال ۲۰۲۰ این پتانسیل وجود دارد که تا حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از طریق ترکیه به کشورهای اروپایی منتقل شود.

این مسئله به مشوقی قوی برای شرکت‌های گازی ترکیه و بویژه شرکت بوتاش تبدیل شده است تا با انگیزه بالا برای دستیابی به بازارهای اروپا تلاش کند.

دولت ترکیه مشتاق است قابلیت های خود برای انتقال گاز از دریای خزر و خاورمیانه به بازارهای اروپا را افزایش دهد. قرار گرفتن در بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، ترکیه را به "دالان انرژی" (Energy Corridor) تبدیل کرده است. به طور قطع برای اروپا برقراری روابط رضایت بخش با کشورهای ترانزیت در راستای دستیابی به منابع پایدار انرژی بسیار مهم است. این مسئله در زمینه گاز اهمیت مضاعفی دارد؛ چرا که در مقایسه با ذخائر نفتی، ریسک اصلی گاز به شرایط ترانزیت و تنوع بخشی مداوم مسیرهای انتقال مربوط میشود و نه به شرایط مخازن اثبات شده در حالیکه در مورد نفت خام ریسک اصلی تر به تولید مخازن مربوط است.

بنظر میرسد که کشور ترکیه با علم نسبت به این موقعیت ویژه خود جایگاه خاصی را برای خود در تامین گاز اروپا تعریف نموده و استراتژی خود را بر این مبنا تنظیم کرده است. شواهد نشان میدهد که این کشور به ایفای نقش بعنوان یک معبر منفعل ترانزیت گاز که صرفاً به متقاضیان مسیر و اجازه عبور بدهد و در مقابل حق ترانزیت خود را دریافت کند قانع نیست ایجاد حداکثر ارزش افزوده از طریق ارتباط دادن میان تولید کنندگان گاز و مصرف کنندگان اروپایی در صدر استراتژی های شرکت دولتی بوتاش قرار دارد.

نمودار زیر حجم ذخائر گازی در اطراف اروپا را تصویر می کند.



مسئله اصلی در صنعت جهانی گاز طبیعی در قرن ۲۱ این خواهد بود که: مصرف کنندگان گاز از لحاظ موقعیت جغرافیایی دور از تولیدکنندگان هستند. ۴۰٪ منابع گاز دنیا در دریای خزر و خلیج فارس، هزاران کیلومتر دورتر از اروپا که ۲۰٪ مصرف کنندگان گاز دنیا در آن هستند، قرار دارد.

مناطق دریای خزر و خلیج فارس از دیدگاه جغرافیایی- سیاسی پیچیده هستند. در حالیکه اروپا میل به تنوع بخشی در تامین گاز دارد، تلاش و رقابت هر یک از عرضه کنندگان برای دستیابی به بازار، تمایل به مذاکرات سیاسی را افزایش داده است. اما بسیاری از پتانسیل های گازی موجود به بهره برداری نرسیده و نیز فاقد خطوط انتقال به بازار هستند. تشویق سرمایه گذاری و شکوفائی بازار گاز و تقویت و توسعه خطوط لوله ترانزیت گاز به اروپا مستلزم آزادسازی بازار گاز است. گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق و الزامات و تبعات سیاسی آن به آزاد سازی بازارهای گاز در شرق کمک خواهد کرد. پروژه های احداث خطوط انتقال گاز نیز به سرمایه گذاری های کلان چند میلیارد یورپی نیاز دارد و در نتیجه سرمایه های خصوصی مورد نیاز است، چنین سرمایه گذاری هایی نیز نیاز به سود مناسب دارند، پس پروژه اساساً باید اقتصادی باشند. تحلیل عرضه و تقاضای اروپا نشان می دهد که تا سال ۲۰۱۰ به دهها میلیارد متر مکعب گاز بیشتر نیاز خواهد بود و این مقدار تا ۲۰۲۵ به صدها میلیارد متر مکعب می رسد. این شکاف در حال ظهور عمدتاً از رشد شدید سالانه مصرف گاز در نیروگاه‌ها ناشی میشود.

خطوط لوله دریای خزر و خلیج فارس باید برای تامین این تقاضای فزاینده با ۴ منبع موجود یعنی خطوط انتقال گاز دریای شمال، الجزایر و روسیه و LNG از آفریقا و خلیج فارس رقابت کنند. البته، منابع و مخازن بسیاری در خارج از اتحادیه اروپا جهت تامین تقاضای در حال رشد اقتصاد اروپا وجود دارد، اما به فعلیت درآمدن آنها نیازمند گسترش و توسعه بیشتر زیرساخت‌های ترانزیت گاز بین اروپا و تامین کنندگان کلیدی موجود (روسیه، نروژ و کشورهای شمال آفریقا) است. در کنار منافع که از تنوع بخشی به همراه دارد هزینه‌هایی نیز وجود دارد. هزینه تولید گاز در مناطق مختلف متفاوت است طول و اندازه قطر خطوط لوله نیز بر ساختار و هزینه اجرای این خطوط تاثیر می گذارد. جدول یک هزینه انتقال انرژی بوسیله خط لوله را از منابع و از مسیر های ترانزیتی متفاوت نشان می دهد.

شده است. حجم این انتقال با ۲ میلیارد متر مکعب آغاز و به سطح ۶/۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۹ خواهد رسید. این پروژه به عنوان اولین قدم در راستای عرضه گاز در مسیر دریای خزر-اروپا تلقی می گردد. قدم دوم، قرارداد با ترکمنستان جهت خرید ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز برای ترکیه و همچنین ۱۴ میلیارد متر مکعب برای تامین تقاضای اروپا است که مورد دوم در حال حاضر به دلایل سیاسی معلق مانده است. با این حال، هر گاه این مسائل حل شود همراه با اتمام پروژه آذربایجان و گشایش خطوط از دریای خزر، گاز ترکمنستان نیز به جریان خواهد افتاد.

یک قرارداد خرید گاز طبیعی در حجم ۴ میلیارد متر مکعب در سال از طریق یک خط لوله دریایی از مصر به ترکیه که از فلات قاره دریای مدیترانه عبور خواهد نمود نیز در دست بررسی است که در تفاهمات اولیه امکان افزایش آن در صورت تقاضای ترکیه نیز پیش بینی گردیده است. پروژه دیگر واردات ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز از عراق است که آن نیز در دست پیگیری است قرارداد این طرح در سال ۱۹۹۶ فیما بین دولت ترکیه و دولت سابق عراق منعقد گردیده بود که به دلیل تحریم های سازمان ملل پیش نرفت اما در شرایط فعلی و در صورت برقراری امنیت در عراق این پروژه نیز به سمت اجرا پیش خواهد رفت. خط لوله نفت باکو - تبلیس - سیحان (BTC) که نهایتا با اراده ایالات متحده آمریکا برای انتقال نفت آذربایجان به دریای مدیترانه از طریق خاک ترکیه احداث شد و در سال ۲۰۰۵ به بهره برداری رسید و اخیرا افتتاح آن به بندر سیحان رسید نیز کار ترکیه برای تبدیل شدن به کریدور انرژی را سهل تر نمود. در ماجرای خط لوله مذکور آمریکایی ها نشان دادند که در ساختار جدید ژئوپلیتیک انرژی موقعیت و جایگاه خاصی را برای ترکیه لحاظ نموده اند.



انتقال گاز از ترکیه به اروپا

همانگونه که قبلا اشاره شد دولت ترکیه از چند سال قبل بیش از نیاز خود مبادرت به انعقاد قراردادهای خرید گاز چه از طریق خط لوله و چه بصورت LNG نموده است و این مسئله ترکیه را با دشواری هائی مواجه کرده است، بطوری که دولت ترکیه در اغلب قراردادهای و بخصوص در قراردادهای خطوط لوله خود تخلف و تاخیر در برداشت داشته و برای اینکه مشکل حقوقی و قراردادی پیدا نکند به بهانه ها و طرق مختلف انجام کامل تعهدات خود در برداشت میزان کافی گاز را به تعویق انداخته است که در مورد قرارداد گاز با ایران نیز ما هم شاهد تاخیر ترکها در برداشت گاز طبق برنامه

حجم قراردادهای خرید گاز و LNG توسط ترکیه به خوبی توضیح دهنده این استراتژی است تا کنون ترکیه با موفقیت توانسته با تولیدکنندگان مختلف ارتباط برقرار کند تا بتواند هدف تنوع بخشی تامین را میسر کند. جدول ۲ قراردادهای امضا شده بین ترکیه و کشورهای تولیدکننده را نشان می دهد.

جدول ۲ / قراردادهای تامین گاز ترکیه

کشور (برای اروپا)	حجم (میلیارد متر مکعب سالانه)	سال شروع	سال پایان	نوع گاز	وضعیت قرارداد
رومانی (تیمپ)	6	1997	2015	طبیعی	در حال اجرا
رومانی (تیمپ)	8	1996	2000	طبیعی	در حال اجرا
رومانی (تیمپ)	16	2002	2017	طبیعی	در حال اجرا
مصر	30	-	-	طبیعی	در حال اجرا
مصر	10	2001	2008	طبیعی	در حال اجرا
عراق (LNG)	8	1994	2014	طبیعی	در حال اجرا
عراق (LNG)	1.2	1999	2021	طبیعی	در حال اجرا
عراق (LNG)	16	2006	2031	طبیعی	در حال اجرا
عراق (LNG)	8.8	2006	2036	طبیعی	در حال اجرا
مجموع	87.8	-	-	-	-

همانگونه که در جدول فوق و نیز در نمودار شماره ۱۰ ملاحظه میشود حجم قراردادهای منعقد توسط ترکیه بسیار بیشتر از نیاز این کشور است. بنابراین بنظر میرسد که ترکیه با ملحوظ نظر داشتن استراتژی متنوع سازی مورد نظر اتحادیه اروپا از سوئی قراردادهای متنوعی را منعقد نموده و از سوی دیگر بر روی زیرساخت های نهادی و فنی مربوطه سرمایه گذاری قابل توجهی نموده است تا خود را بعنوان یک ترمینال عرضه انرژی برای اروپا مطرح نماید.



جدول ۳ و نمودار ۱۱ شبکه خطوط لوله ترکیه و وسعت این شبکه را نشان می دهند.

جدول ۳ / شبکه خطوط لوله ترکیه

مجموع	۴۷۰۰ کیلومتر
در حال ساخت	۲۱۰۰ کیلومتر
برنامه ریزی شده	۱۰۰۰ کیلومتر
مجموع	۸۱۰۰ کیلومتر

در جریان تلاش برای تحقق سرمایه گذاری گسترده در زیر ساخت های صنعت گاز، صرف انتقال گاز به همه شهرها و مناطق ترکیه تنها هدف دولت این کشور نبوده است. در کنار این ماموریت، گشودن در برای بازارهای اروپا نیز هدف دیگر ترکیه است. در این خصوص پروژه "شاه دنیز" (Shah Deniz) برای انتقال گاز تولیدی آن به ترکیه توسط دولت آذربایجان برنامه ریزی شده است. قراردادهای خرید گاز از آذربایجان در سال ۲۰۰۱ امضا شد و انتقال گاز برای ۲۰۰۶ برنامه ریزی

۳۵ مسیر مختلف اروپا، توسط OME و TEN و اتحادیه اروپا EU انجام شده است که نشان می‌دهد که مسیر ترکیه در بین سایر مسیرها و بویژه در مقایسه با مسیرهای شمالی و شرقی اروپا، بهترین وضعیت را دارد.

دکتر پالا می‌گوید: "گزارشات مطالعات OME نشان می‌دهد که بانک سرمایه‌گذاری اروپا که هم‌اکنون پروژه‌های TEN را پشتیبانی می‌کند، نقشی کلیدی در توسعه همکاری و مشارکت دارد. همچنین این گزارش بر اهمیت سیاسی و مالی حمایت کمیسیون اروپا و بانک سرمایه‌گذاری اروپا و اهمیت Energy charter treaty (منشور جهانی انرژی) به عنوان یک چارچوب برای تجارت انرژی بین اتحادیه اروپا و عرضه‌کنندگان خارجی تأکید می‌کند."

مسیر خط لوله ترکیه-بلغارستان-رومانی-مجارستان-اتریش نیز تحت بررسی است این پروژه ناباکو (Nabucco) نام گرفته است و با هدف متصل کردن ترکیه به بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش در حال پیشرفت است. این مسیر، دروازه‌ای دیگر برای ورود به اروپا خواهد بود. این طرح اخیراً مورد پیگیری و توجه ویژه اتحادیه اروپا قرار گرفته و از صندوق اتحادیه اروپا نیز حمایت‌های مالی دریافت می‌کند.

در این چارچوب مذاکرات بین شرکتهای کشورهای مربوطه آغاز شده؛ شرکت OMV اتریش، MOL مجارستان، Transgaz رومانی، Bulgargaz بلغارستان و BOTAS ترکیه در اکتبر ۲۰۰۲ در وین توافقنامه‌ای را امضا و یک شرکت مشترک را برای انجام طرح تأسیس کردند. شرکت تأسیس شده با تمام عرضه‌کنندگان مذاکره خواهد نمود تا از میزان تولید آنها اطلاع حاصل کرده و آنها را دعوت به استفاده از مسیر جدید کند.

در آغاز، ظرفیت اضافه کشورهای برای عرضه به بازار و توسعه سیستم خط لوله به صورت قدم به قدم استفاده خواهد شد.

پروژه ترکیه-یونان-شبه جزایر بالکان-اتریش طرح دیگری است که می‌تواند از یونان از طریق دریای آدریاتیک گاز را منتقل کند. در راستای مطالعه سایر مسیرها در تاریخ آوریل ۲۰۰۳، BOTAS و DEPA پروتکلی را با شرکتهای گازی نماینده کشورهای بوسنی و هرزگوین، کرواسی، اسلونی، صربستان-مونتنگرو، مقدونیه و آلبانی در سالونیکا امضا کردند. رشد انتظاری تقاضای گاز در اروپا مخصوصاً در آغاز ۲۰۱۵ به همراه کاهش تولید داخلی، نیاز به مسیر سوم جهت همراهی مسیرهای ترکیه-یونان-ایتالیا و ترکیه - اتریش (ناباکو) را نشان می‌داد. ممکن است در آینده تقاضای کشورهای مسیر نیز افزایش یابد و لذا یک گزینه عرضه مطمئن برای منطقه لازم است.

از نظر موقعیت جغرافیایی، ترکیه می‌تواند بعنوان ترانزیت تأمین مرکزی تقاضای فزاینده اتحادیه اروپا باشد. از این جهت تعداد زیادی شرکت در مرکز، جنوب و جنوب شرقی اروپا مصرانه بدنال جذب منابع گازی از دریای خزر و خاورمیانه از طریق خطوط ترانزیت تجاری ترکیه هستند. ترکیه فکر می‌کند که از آنجا که توسعه اقتصادی کشورشان به عنوان مسیر ترانزیت، به افزایش امنیت مسیرهای انرژی کمک می‌کند و این مسئله برای کشورهای اروپایی اهمیت زیادی دارد، تعریف چنین نقش و جایگاهی برای کشور ترکیه موجب شود که اتحادیه اروپا تلاش بیشتری را جهت کمک به رشد و توسعه اقتصادی این کشور به عمل آورد. همچنین ترکیه امیدوارند که همین مسئله و هم نیاز روزافزون اروپا به گاز دریافتی از مسیر ترکیه، فرایند پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا را تسریع نماید. در صورت پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا این کشور به دروازه ورود گاز به این

زمانبندی شده بودیم و هم شاهد تخلفات ترکیه در مورد برداشت گاز به میزان کافی هستیم.

با توجه به این مسئله ترکیه برای حل این بخش از مشکلات خود نسبت به فراهم کردن امکانات انتقال گاز خود به اروپا بسیار شتاب دارند. برای این منظور دولت ترکیه سه مسیر برای اتصال به شبکه گاز اروپا را در دست مطالعه و مذاکره دارد. مسیرهای مورد بررسی برای عرضه گاز از طریق ترکیه به اروپا به شرح زیر است:

- ۱) به ایتالیا از طریق یونان
 - ۲) به اتریش از طریق بلغارستان، رومانی و مجارستان
 - ۳) به اتریش از طریق شبه جزایر بالکان
- این مسیرها در نمودار ۱۲ نشان داده شده‌اند.

نمودار ۱۲: مسیرهای پیشنهادی ترکیه برای انتقال گاز به اروپا



هر کدام از این مسیرها چالشهای فنی هزینه‌های سرمایه‌گذاری و مسائل بازار و حتی مشکلات سیاسی خود را دارند. بررسی دقیق اقتصادی هر یک از این پروژه‌های خط لوله، امکان مقایسه را هم با منابع کنونی تأمین گاز اروپا و هم با سایر گزینه‌های دریای خزر و خلیج فارس مهیا می‌کند.

در مورد پروژه خط لوله ترکیه-یونان بر اساس مطالعات انجام شده، قدم اول، برقراری ارتباط بین شبکه گازرسانی دو کشور است؛ تا به این ترتیب مهمترین قسمت حلقه گاز جنوب اروپا تشکیل شود. اما گاهی نوسان در روابط سیاسی دو کشور که عمدتاً تحت تأثیر اختلافاتشان در مورد قبرس می‌باشد بر پیشرفت کار سایه می‌افکند و شاید به همین دلیل است که ترکیه‌ای شتابزده همه تخم مرغ‌های خود را در سبد این مسیر نگذاشته‌اند و گزینه‌های بدیل را نیز دنبال می‌نمایند.

یک قرارداد مبادله گاز طبیعی در دسامبر ۲۰۰۳ بین شرکت BOTAS ترکیه و شرکت یونانی DEPA منعقد گردیده و ساخت خط لوله در دسامبر ۲۰۰۴ آغاز شده است. طول کل مسیر ارتباطی همراه با بخش یونانی، حدوداً ۳۰۰ کیلومتر خواهد شد و انتظار می‌رود فروش گاز توسط ترکیه به یونان از طریق این خط لوله در سال ۲۰۰۶ آغاز شود. دکتر پالا (Pala) رئیس قسمت بین‌المللی BOTAS می‌گوید: "ما اعتقاد داریم این توسعه مهمی خواهد بود و این خط لوله، مسیر صلح، موفقیت و همزیستی خواهد شد."

گزینه دیگر توسعه این خط، مسیر ارتباطی ایتالیا-یونان است که مطالعات امکان‌سنجی آن انجام شده است، صندوق TEN اتحادیه اروپا برای مطالعات امکان‌سنجی و مهندسی این پروژه‌ها و پروژه‌های مربوطه تشکیل شده است، تحلیل هزینه عرضه گاز برای حدوداً

و هندوستان باشد و وابستگی به اتحادیه اروپا به گاز ایران می‌تواند تعاملات مربوط را تسهیل نماید و توانائی ایالات متحده امریکا برای هم جهت کردن اتحادیه اروپا با خود بر علیه ایران را تقلیل دهد. صادرات گاز ایران به اتحادیه اروپا می‌تواند در چارچوب یک همکاری گسترده‌تر انرژی باشد که مسائل هسته‌ای ایران را نیز پوشش داده و به حل آن کمک نماید.

اخیراً دولت روسیه و بزرگترین شرکت دولتی نفت و گاز این کشور یعنی شرکت "گازپروم" اظهار علاقه نموده اند که در زمینه احداث خط لوله صادرات گاز ایران به هند همکاری و مشارکت نمایند. البته برای کشوری مانند ایران که ۱۷ درصد ذخائر گاز جهان را داراست. هر تعاملی در زمینه بازاریابی گاز با شرکتهای مهمی که در این عرصه حضور دارند، یک سرمایه گذاری بلند مدت تلقی میشود و مطلوب است اما باید با دقت‌ها و ظرافت‌های لازم همراه باشد. همانگونه که پیش تر نیز اشاره شد بدنبال قطع جریان گاز روسیه به اروپا که در اوج سرمای زمستان گذشته و بدلیل اختلافات تاریخی روسیه و اوکراین و به منظور فشار آوردن به اوکراین توسط روسها اتفاق افتاد و همچنین بدنبال برخی اظهارات نگران کننده مقامات روسیه در زمینه تامین آتی گاز اروپا، اتحادیه اروپا مصمم گردیده است که مبادی تامین گاز خود را متنوع تر نماید. اراده اروپا بر این متنوع سازی منابع تامین گاز، قدری روسها را نگران کرده است. لذا این احتمال وجود دارد که رقیب روسی یعنی شرکت گازپروم، علاقه مند باشد که از ورود رقیب جدید به بازار اروپا جلوگیری کند و یا اگر هم ایران بخواهد به این بازار وارد شود مستقل نبوده و بلکه از طریق گازپروم باشد تا شرکت مذکور کنترل خود را بر رقیب و بازار هدف حفظ کند و لذا در هرگونه تعامل با گازپروم روسیه در زمینه گاز که البته همانگونه که اشاره شد فی حد ذاته مطلوب است باید دقت زیاد و استراتژی روشن وجود داشته باشد که منافع دوطرف تضمین شود. ضمناً باید به سابقه گازپروم نیز توجه کرد. گازپروم در مقطعی در رابطه با توسعه فازهای مختلف پارس جنوبی اشتیاق از خود نشان داد اما در عمل چندان جدی برخورد نکرد تا جائیکه این شبهه بوجود آمد که شاید بدنبال کارشکنی در توسعه ذخائر گازی رقیب باشد؟! البته احتمال بسیار فراتر و کلیدی تری نیز در مورد تحلیل رفتار روسها قابل طرح است: افزایش نسبی وابستگی جهان به گاز طبیعی بازی قدیمی نفت را دچار تحول نموده و امروز بازی نفت و گاز مطرح است و ما تدریجاً شاهد تحول ژئوپلیتیک انرژی هستیم که در آن گاز نقش بیشتری یافته است. کشور روسیه در ژئوپلیتیک گاز نقش بسیار مهمتری در مقایسه با ژئوپلیتیک نفت دارد چراکه:

اولاً - ذخائر گازی روسیه بسیار بزرگتر از ذخائر نفتی آن است و درحالیکه نسبت ذخائر به تولید نفت روسیه تنها ۲۴ سال است نسبت ذخائر به تولید گاز آن حدود ۸۰ سال است و

ثانیاً - از آنجائی که هنوز خط لوله در انتقال گاز حرف اول را میزند و وسعت و جغرافیای روسیه به گونه‌ای است که شرق و غرب عالم را به هم متصل می‌کند روسها میتوانند نقش تعیین کننده‌ای در هردو منطقه مهم تقاضای گاز یعنی اروپا و هندوچین بصورت توأمان داشته باشند و لذا میخواهند این موقعیت ممتاز را حفظ کنند.

در صورتیکه تحلیل فوق صحیح باشد هماهنگی و هم‌جهتی ایران و روسیه که جمعاً حدود نیمی از ذخائر جهانی گاز را در اختیار دارند بسیار تعیین کننده، مهم و راهبردی است که در هر تعاملی با روسها باید اهمیت راهبردی و ارزش آن مورد دقت و توجه قرار گیرد.

در هر حال از نقطه نظر ایران در اینگونه همکاری‌ها

اتحادیه تبدیل خواهد شد و این می‌تواند موقعیت ممتازی را برای ترکیه پدید آورد.

در هر حال ترکیه برای رسیدن به اهداف مذکور و بهره گیری اقتصادی از زیرساخت‌های که فراهم نموده است بیشترین انگیزه و آماده گی برای مذاکره با صاحبان منابع گازی در خاورمیانه و منطقه دریای خزر را دارا می‌باشد.

ایران و بازار گاز اروپا

در این میان ایران با دارا بودن بیش از ۱۷ درصد ذخائر گاز جهان و در شرایطی که امکان صدور گاز از طریق خط لوله به اتحادیه اروپا را داراست، در صورت حل موانع سیاسی می‌تواند یکی از بهترین انتخاب‌های اروپا برای متنوع کردن منابع گاز خود باشد. برای جمهوری اسلامی ایران نیز اگر چنانچه گازی برای صادر کردن وجود داشته باشد بازار اروپا بازار بسیار مناسبتری نسبت به بازارهای هند و پاکستان میتواند باشد. اگر مقایسه‌ای میان بازار اروپا و بازارهای مذکور انجام شود امتیازات زیر را میتوان برشمرد:

۱- هردو کشور هند و پاکستان فاقد استراتژی‌های روشن و برنامه‌های بلند مدت در بخش انرژی خود میباشند و به همین دلیل بازار انرژی این کشورها نیز به هیچ وجه تضمین شده نیست علاوه بر اینکه بازار انرژی و گاز این دو کشور نه تحت کنترل انحصاری دولت قرار دارد و نه بخش خصوصی انرژی در این کشور چندان توسعه یافته است که بتواند بازار را تحت کنترل درآورده و سامان دهد بنابراین ریسک بازار گاز در این دو کشور بسیار بالاست و به فرض به نتیجه رسیدن قرارداد صدور گاز ایران به این دو کشور امکان اینکه دو کشور به تعهدات خود در زمینه برداشت کافی گاز عمل نکنند و در نتیجه بازگشت سرمایه طرح با مشکل روبرو شود بسیار زیاد است. هم اکنون نیز اخبار و اطلاعات نشان میدهد که کشور هند برای جذب LNG مطابق قراردادهائی که منعقد نموده است دچار مشکل است.

این در حالی است که در جهت کاملاً معکوس بازار انرژی اروپا کاملاً برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر استراتژیهای روشن است و عدول اتحادیه اروپائی‌ها از تعهدات قراردادهائی که منعقد نمایند بسیار دور از ذهن می‌نماید.

۲- مشکل اصلی ایران برای تامین گاز مورد نیاز برای برقراری بالانس عرضه و تقاضای داخلی گاز خود و فراهم نمودن امکان صدور گاز، مشکل سرمایه گذاری جهت توسعه ذخائر عظیم زیرزمینی گاز خود می‌باشد. وارد شدن به بازارهائی مانند هند و پاکستان بدلیل مسائلی که پیش تر ذکر شد زمینه را برای جذب سرمایه و جلب همکاری شرکتهای بین المللی نفت برای توسعه ذخائر گازی کشور فراهم نمی‌کند. اما وارد شدن به بازار اروپا قطعاً چنین زمینه‌ای را تسهیل و تسریع می‌نماید.

۳- حجم روابط تجاری ایران و اروپا بسیار گسترده است به طوری که شاید با حجم تجارت ایران با هند و پاکستان اصلاً قابل مقایسه نباشد. ایران قابل توجهی از اتحادیه اروپائی دارد که با میزان صادرات ایران به این اتحادیه در تناسب نیست و صادرات گاز ایران به این اتحادیه می‌تواند توازن تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا را بوجود آورد.

۴- از نظر امنیت ملی نیز شاید قدرت اتحادیه اروپا برای تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی و خصوصاً بر مسائل کلیدی مربوط به روابط ایران با جامعه بین‌المللی بسیار فراتر از پاکستان

صد درصد آن به شرکت دولتی نفت ترکیه (TPAO) تعلق دارد و اگذار شود که در اینصورت و در صورتی که استراتژی ورود به بازار گاز اروپا در نظر باشد خرید سهام این شرکت برای نفع بردن از منافع انتقال گاز، میتواند در دستور کار ایران قرار گیرد و یا شرکت ملی صادرات گاز ایران میتواند به مشارکت "نابوکو" یا امثال آن که قبلا ذکر شد بپیوندد. البته مسیرهای دیگری نیز برای ایران متصور است و همه اینها باید در یک استراتژی روشن ورود به بازار گاز اروپا مورد توجه قرارگیرد.

نباید همه تخم مرغها را در یک سبد قرارداد. برای ورود بلند مدت ایران به بازار گاز اروپا، ترکیه یک از مهم ترین معابر است بنابراین بنظر میرسد برقراری نوعی همکاری و تعامل با شرکت های ذینفع این کشور و بویژه شرکت بوتاش نیز باید همزمان در دستور کار قرار گیرد. ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا و ورود به بازار گاز اروپا به تدریج مجبور خواهد بود که استانداردهای اروپائی و شرایط رقابتی را برقرار نموده و خصوصی سازی را گسترش دهد و لذا این احتمال وجود دارد که در آینده سهام شرکتی مانند بوتاش که در حال حاضر

منابع و مآخذ:

1. Catak, E & Iledare, O : " Natural Gas Diversification on Europe – Role of Turkey as a Transit Country", IAEE Newsletter fourth quarter 2005
2. Dorian , J & Franssen , h & Simbek , d : "Global Challengas in Energy " , IAEE Newsletter first quarter 2005
3. Oostvoorn , f : "Gas Supply Security In Europe In The Long Term , Some Key Issues" , IAEE Newsletter second quarter 2005
4. Hallouche , h : " Natural Gas in the Mediterranean " , IAEE Newsletter fourth quarter 2005
5. Chabreliie, M. F.: "Gas Price Indexation and Strategies, A European Market Perspective", 2nd Asia Gas Buyers Summit, 2-3 February, Mumbai, India.
6. Pala, C. "Gas to Europe: Turkey is an Energy Corridor from East to West", 2nd international Forum on Strategic investment in South Eastern European Gas and Power. Belgrade. 1—2 July 2004.
7. Jones, P J. and Lau, A.: "International Gas Strategies: Political, Corporate, and Financial Considerations SPE: paper 26408 presented at 68th Annual Technical Conference and Exhibition, Houston, TX. 3-6 October, 1993.
8. Statistical Review of World Energy full Report, BP Annual energy Report. 2004.
9. Economides. M. J., Oligney. R. E. and Demarchos, A. S.: "Natural Gas: The Revolution is Corning", SPE, paper 62884 presented at the

SPE, Annual Technical Conference and Exhibition. Dallas, TX. 1-4 October, 2000.

10. Quigley, T. "Bringing Gas by Pipeline from the Caspian and Gulf to Europe: pre-Requisites For a Commercially Viable Project", presented at the 21st international Conference and exhibition for the LNG LPG and natural gas industries. Bilbao, Spain. 14-17 March 2005.
11. Baran. Z.: "From the Caspian to the Mediterranean: The East-West Energy Corridor is Becoming a Reality", In the National Interest. Washington, DC, 26 February. 2003.
12. <http://www.publications.parliament.uk/pa/Id200304/Idselect/Ideucom /105/105we05.htm> , United Kingdom Parliament official website.
13. Bergasse, E. "Up-date on IEA Activities in SEE.". Athens Energy Week, Athens. Greece. 2-4 June 2004
14. <http://botas.gov.tr> BOTAS, Turkish National Pipeline Company official website
15. Lindenberg, P.: "The Future Gas Market in Europe Opportunity or Dilemma to the producer", SPE paper 24240 presented at the SPE Finance and Management Conference. London, England. 28-29 April 1992
16. <http://www.eia.doe.gov> , Country Analysis in Briefs, European Union
17. European Union , "Key Facts and Figures about Europe and the Europe "
18. <http://www.bp.com>, Annual Statistical Review
19. GARY J. SCHMITT, NATURAL GAS: The Next Energy Crisis? On www.issues.org